

چهره واقعی مصدق

محمد رضا روحانی

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید

مولوی

روز اول مرداد ۱۳۶۷ به مناسبت بزرگداشت قیام ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به دعوت هواداران جبهه دموکراتیک ملی ایران، جلسه شعرخوانی، سخنرانی و پرسش و پاسخ در سائن دانشگاه شهر گوتینگن آلمان برگزار شد. در آن جمع به پیشنهاد آقای هدایت مستین دفتری نگارنده به کسوتاهی دربارهٔ تنابیس ترفیخو اهانه مصدق و اصلاحات بنیادی او در زمینه های گوناگون زندگی ملت ایران سخن گفت و فهرست وار نمونه هایی از آنها را که در لوایح قانونی ناشی از اختیارات مصدق منعکس است، بر شمرده (۱). استقبال تشویق آمیز شنوندگان آن نشست برای نگارنده شگفت آور بود و تأمل برانگیز. به ویژه آن که در میان جمع مبارزان با سابقه می بودند که آن مطالب را تازه می شنیدند. حاصل تأمل آن که در این باب کاری شایسته اهمیت موضوع انجام نشده است. کتب و مقالات گوناگونی که در مورد نهضت ملی ایران و راهبر فرهمند آن، مصدق، نوشته و انتشار

یافته است؛ اصولاً معطوف به گزارش مسائل سیاسی و مبارزاتی نهضت ملی ایران برای ریشه کن کردن استعمار انگلیس و اعاده عزت و شرف ملی ما ایرانیان بود و این جنبه مهم مبارزه سایه بر نیم دیگری از کارنامه تابناک مصدق انداخته است. آن روز نگارنده با خود عهد کرد که در حد بضاعت و لیاقت خود سیاستهای مصدق را معرفی کند. اجرای این عهد سالها به تأخیر افتاده است. علت نخست این خلف وعده، نداشتن تجربه تاریخ نگاری است. دلیل بعد، کمبود مدارک و اسناد لازم را باید ذکر کرد و بالاخره مشکلات زندگی در تبعید؛ که به همت عالی دولتهای متمدن قارهٔ قدیم در سیاست گفتگوی انتقادی و دست باز خوئی بر آن، به تبعید در تبعید منجر شده است.

حال که جسارت و فرصت قلمی کردن این نوشته فراهم آمده، قبل از هر چیز ضروری به نظر می رسد که تأکید شود این سطور قطعاً وافی به مقصود نخواهد بود و تنها فرصتی برای معرفی کلی گستره اصلاحات مصدق فراهم می آورد. این کار اگر به طرح مسأله کمکی کند، خود پاسخگوی حداکثر انتظار نویسنده است. زیرا حوزهٔ مسائل

مطروحه در قوانین مصدق واجد چنان تنوع و گستردگی است که نمی توان در مقاله ای هر چند طولانی جزئی از آن را به رشته تحریر در آورد تا حق مطلب آن چنان که شایسته است، ادا شود.

با این اصرارهای صریح نیازی به طلب عفو از کمبودهای این نوشته احساس نمی شود. بلکه از خوانندگان انتقاد و راهنمایی در جهت رفع کمبودهای آن را می توان متوقع بود. صاحبان اطلاع و اهل تحقیق اگر به این مهم پردازند، چراغی فراراه آیندگان روشن خواهند کرد.

صورت حقیقی حوادث

بیش از یک قرن پیش یحیی دولت آبادی، دربارهٔ ضرورت توجه دقیق به تاریخ نوشته است: «کیست آن کس که دارای اندک ادراک باشد و فواید تاریخ را نداند؟ تاریخ است که گذشته و حال و آینده را به هم آشنا می سازد... گذشته تغییرناپذیر است. تاریخ مانند صفحهٔ عکس، در برابر کردار نیک و بد هر کس صورت حقیقی آن را برمی دارد و با کسی خصوصیت یا خصومت ندارد.

بقیه در صفحه ۲